

اشتباه استراتژیک در ترمیم کابینه

شهراد اثنی عشری

سخت تبلیغات منتقدان در خصوص ناکارآمدی برخی اعضای دولت قرار داشته به توصیه گروه‌های پیروز در انتخابات از این تغییر و تحول جلوگیری کرد و برای اینکه به رقیب خود به ظاهر باج ندهد، از اعضای دولت در مناسبت‌های مختلف دفاع و حمایت می‌کرد، در حالی که در چنین اعضای کابینه می‌توانست دقت و تأمل بیشتری به خرج داده و از چهره‌های متخصص و دانشگاهی بسیاری استفاده کند.

متأسفانه در کابینه دوم خاتمی هم امر شایسته‌سالاری مانند سایر دولت‌های قبل از او مورد توجه خاص قرار نگرفت و نتیجه این شد که طبق سفارشات گروه‌های سیاسی، برخی افراد و شخصیت‌ها به عنوان وزیر به او معرفی شدند که حتی از عهده اداره یک مدرسه بر نمی‌آمدند، چه رسد به اداره یک وزارتخانه!

البته شاید خاتمی و دولت‌های پیش از او نیز مقصر نباشند، چرا که در کشور ما استفاده از مدیران و شخصیت‌های مطرح به دلیل آشنایی آنها با زنجیره حکومتی همیشه مرسوم بوده و هیچ فرد دیگری خارج از این دایره نمی‌تواند وارد گود شود، زیرا مدعیان وابسته به "هزار فامیل" تحمل مدیریت افراد خارج از این دایره را ندارند!

نتیجه این اشتباهات فاحش چیزی جز ضرر و زیان برای مردم و کشور نیست، زیرا در هیچ کشوری هنگام تغییر و تحول، یک وزیر به دلیل ناکارآمد بودن از یک وزارتخانه به وزارتخانه دیگری نقل مکان نمی‌کند! در آن کشورها تخصص و گذراندن دوره‌های مختلفه شرط قبول مسؤلیت است. در حالی که در کشور ما فلان مقام به دلیل آشنایی با فلان مسوول یک شبه ره صد ساله می‌پیماید و ناگهان از یک وزارتخانه سر در می‌آورد!

با قبول این واقعیت و اشتباه خاتمی نباید هرگز زیربار پذیرش این گونه وزیران می‌رفت، به همین دلیل یکی از علل ناکارآمدی دولت در برخی زمینه‌ها، رودربایستی شخص رئیس جمهور در بستن و چیدن کابینه است.

تغییر و تحول در تمام نظام‌های سیاسی دنیا از ضرورت‌هایی است که هنگام بروز مشکلات یا انسداد سیاسی در هر کشور ممکن است به اشکال مختلف مانند استعفا و یا ترمیم کابینه صورت گیرد. در واقع شاید یکی از دلایل موفقیت برخی از کشورهای پیشرفته، شهامت تغییر مدیران یا وزیران در وضعیت بحرانی باشد.

کشور ما نیز از این امر مستثنی نیست و هراز گاهی به دلایل متفاوت از جمله جابجایی در قدرت یا فشار برخی احزاب و جناح‌های سیاسی، بحث تغییر و تحول در سطوح مدیریتی کشور که امروز به "ترمیم کابینه" شهرت یافته، مطرح می‌شود، اما متأسفانه به دلایل گوناگون این مسأله همیشه با مشکلات و اشتباهاتی روبرو بوده که مهم‌ترین آن، نبود مرکزیت واحد در نظام برنامه‌ریزی است. وظایفی که در نظام ما از افراد خواسته می‌شود، وظایف متناقضی است که نشان‌دهنده نبود مرکزیت در نظام برنامه‌ریزی کشور است. البته ممکن است این تناقضات در سایر کشورهای دنیا نیز وجود داشته باشد، اما معمولاً در این جوامع مرکزی وجود دارد که نقطه تعادل و وضعیت ایده‌آل را بررسی و گزینش می‌کند.

... بحثی که اخیراً به عنوان اصلی‌ترین و جنجالی‌ترین سوژه در محافل سیاسی و مطبوعاتی کشور مطرح شد، مربوط به تصمیم‌گیری ریاست جمهوری در خصوص ترمیم کابینه بود که با واکنش‌های متفاوت گروه‌ها و جناح‌ها مواجه شد، به گونه‌ای که برخی آن را نوعی باج‌دهی به جناح منتقد ارزیابی کردند و گروهی دیگر ایجاد هماهنگی و تعامل بیشتر در یکسال آخر عمر دولت.

... اما چرا خاتمی با وجود اصرار مطبوعات و شخصیت‌های سیاسی در طول سه سال گذشته از این تغییر و تحول اجتناب ورزیده پرسشی است که پاسخگویی به آن تا حدی به ابهامات مطرح شده در این باره خاتمه می‌دهد. به اعتقاد صاحب‌نظران سیاسی، خاتمی که در طول این سال‌ها زیر فشار

